



Jurisprudential Foundations of Patenting Military Inventions

Seyed Mohammad Amin Hosseini¹  | Majid Vaziri²  | Morteza Chitsazian³ 

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ma.hni5500@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: maj.vaziri@iauctb.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University (RA), Tehran, Iran. Email: m.chitsazian@motahari.ac.ir

Abstract

Today, the emergence of intellectual property and its dominance over inventions to protect the rights of inventors seems undeniable; however, the protective capacity of intellectual property rights for inventions among technical experts is generally faced with doubts in some areas. Among these areas are military inventions, which are seriously questioned in practice by some proponents of military inventions.

In this study, we aim to examine the jurisprudence of the positions of those in favor of and against the registration of military patents-as the first step towards the intellectual protection of military inventions-by citing library sources and using an analytical-descriptive method. A study of the works of those who have written in this field shows that two general views have been expressed in this regard: Some believe that military inventions do not need to be patented because their patenting entails the possibility of revealing military secrets and therefore entails the risks of violating national security. Others believe that military inventions, like other inventions, need to be patented because, first, the possibility of revealing military secrets is greatly reduced if the patenting process is confidential; and second, some military inventions are not particularly sensitive, so they do not pose a risk to national security and, as a result, their patenting is not problematic.

Keywords: Military inventions, Patenting, Patenting rules, Military secrets, Intellectual property.

Print ISSN: 2008-8744
online ISSN: 2228-7612

Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law

University of Tehran
Faculty of Theology
and Islamic Studies



Cite this article: Hosseini, S. M. A., Vaziri, M., & Chitsazian, M. (2025). Jurisprudential Foundations of Patenting Military Inventions. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 57 (2), 373-397. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2024.377535.669694>



Article Type: Research Paper

Received: 30-Jun-2024

Received in revised form: 22-Nov-2024

Accepted: 1-Dec-2024

Published online: 8-Mar-2025

مبانی فقهی ثبت اختراعات نظامی

سید محمد امین حسینی^۱ | مجید وزیری^۲ | مرتضی چیت سازیان^۳

۱. دانشجوی دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ma.hni5500@gmail.com
۲. نویسنده مسؤل، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: maj.vaziri@iauctb.ac.ir
۳. دانشیار، گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران، ایران. رایانامه: m.chitsazian@motahari.ac.ir

چکیده

امروزه ظهور مالکیت معنوی (فکری) و سیطره آن بر اختراعات، برای حمایت از حقوق مخترعین، امری غیرقابل انکار به نظر می‌رسد؛ با این وجود، وضعیت حمایتی حقوق مالکیت معنوی از اختراعات در نزد متخصصان فن، فی الجمله با تردیدهای در برخی از زمینه‌ها مواجه است. از جمله این زمینه‌ها اختراعات نظامی است که در عمل مورد تردید جدی برخی از دایعه‌داران اختراعات نظامی است. در این پژوهش بر آن هستیم، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی فقهی مواضع موافقین و مخالفین ثبت اختراعات نظامی-به‌عنوان اولین قدم برای حمایت معنوی از اختراعات نظامی-پرداخته شود. نتایج در آثار کسانی که در این زمینه پژوهش انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که در این زمینه دو دیدگاه کلی ابراز شده است: برخی بر این عقیده هستند که اختراعات نظامی نیازی به ثبت ندارد؛ زیرا ثبت آن احتمال افشای اسرار نظامی را در پی دارد و لذا خطرات نقض امنیت ملی را در پی دارد. عده‌ای دیگر نیز بر این عقیده هستند که اختراعات نظامی نیز به‌مانند سایر اختراعات نیاز به ثبت دارد؛ زیرا اولاً احتمال افشای اسرار نظامی در صورتی که روند ثبت اختراعات محرمانه باشد، بسیار کاهش می‌یابد؛ و ثانیاً برخی از اختراعات نظامی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار نیست، لذا مخاطره‌ای برای امنیت ملی ندارد و در نتیجه ثبت آن‌ها با مشکلی روبه‌رو نیست.

کلیدواژه‌ها: اختراعات نظامی، ثبت، قاعده حفظ نظام، اسرار نظامی، مالکیت معنوی.

استناد: حسینی، سید محمد امین، وزیری، مجید، و چیت سازیان، مرتضی (۱۴۰۳). مبانی فقهی ثبت اختراعات نظامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۲)، ۳۷۳-۳۹۷.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲ DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2024.377535.669694>

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸



مقدمه

اختراعات نظامی امروزه به یک عرصه مهم ملی کشور تبدیل شده است؛ به طوری که بنا به اذعان کارشناسان نظامی، برتری تکنولوژی عامل کلیدی است که به کشورها اجازه می‌دهد تا برتری نظامی خود را حفظ کنند و این برتری نظامی هم رابطه تنگاتنگی با امنیت ملی دارد و هم منجر به برخورداری از مزیت قابل توجه در نظام بین‌المللی می‌شود.

اقتضای این گستردگی و تأثیرگذاری آن در سطح ملی و فراملی، نیازمند ورود فقه اسلامی است؛ چراکه بنابر دکتترین فقهی، عرصه فقه شامل همه عرصه‌های زندگی بشری است و این فقه می‌تواند پاسخ‌های مناسبی برای این ابعاد در نظر گرفت؛ لذا در این راستا، فقه اسلامی شایستگی ورود به اختراعات نظامی نیز دارد. آنچه که این ورود فقهی را تقویت می‌کند، سابقه مطالعات فقهی در عرصه نظامی است؛ زیرا در لابه‌لای کتب فقهی فراوان از اصطلاحات نظامی و ابعاد فقهی آن بحث شده است؛ از جمله این عناوین و اصطلاحات می‌توان به تجسس، حفظ حکومت اسلامی، افزایش قدرت نظامی، اسرار نظامی و غیره اشاره کرد.

ثبت اختراعات نظامی نیز یکی از این عرصه‌هاست. ورود به این عرصه از آن جهت است که در میان ارگان‌های نظامی اصولاً رویه یکسانی نسبت به ثبت اختراعات نظامی وجود ندارد؛ برخی از ارگان‌های نظامی به طور کلی با ثبت هر گونه اختراعات نظامی مخالف هستند و آن را در تضاد با قدرت نظامی و امنیت ملی می‌دانند و در مقابل عده‌ای دیگر برخلاف این دسته از ارگان‌ها می‌اندیشند و معتقد هستند ثبت اختراعات نظامی نه تنها قدرت نظامی و امنیت ملی را خدشه‌دار نمی‌کند و بلکه بر فزونی آن‌ها می‌افزاید.

در این پژوهش بر آن هستیم، به سنجش فقهی هر دو دیدگاه بپردازیم. آنچه که اهمیت این مطالعه را ضروری می‌کند، این است که در حوزه فقه امنیت به طور عام و فقه نظامی به طور خاص، مطالعات کمتری صورت گرفته است و از طرف دیگر در فقه دیدگاه‌هایی مبنی بر نفی لزوم ثبت در حوزه اختراعات وجود دارد و این دیدگاه‌های عملاً می‌تواند به یک چالش جدی در ثبت اختراعات نظامی تبدیل شود؛ چالشی که قاعدتاً به ضرر اختراعات نظامی و امنیت ملی تبدیل خواهد شد.

پیشینه پژوهش

تتبع در پایگاه‌های علمی، همچون ایران‌داک، نورمگز، نت علم و ... نشان می‌دهد که پژوهشی در رابطه با این موضوع صورت نگرفته است؛ هرچند به صورت عمومی، پژوهش‌های در رابطه با فقه امنیت و فقه نظامی صورت گرفته است، از جمله: ماهیت و چیستی شناسی «فقه امنیت» و «فقه امنیتی» به نویسندگی ابوالقاسم علی‌دوست، کنکاشی در رابطه با تأثیر مباحث حکم‌شناسی در فقه امنیت با

رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)، به نویسندگی نیکخو امیر و همکاران، مطالعات فقهی امنیت به نویسندگی نجف لکزایی.

در این پژوهش ابتدا به تبیین ماهیت اختراعات نظامی پرداخته خواهد شد و سپس به ارزیابی فقهی استدلال‌های موافقین و مخالفین ثبت اختراعات نظامی پرداخته خواهد شد.

۱. تعریف اختراع نظامی

اختراع در لغت به معنای ابداع، انشاء و پدید آوردن چیزی نو آمده است (رهبری، ۱۳۹۶: ۸۸) و در اصطلاح نیز از معنای لغوی آن فاصله نگرفته است و در تعریف آن آورده‌اند: «نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک «حرفه، فن، فناوری و صنعت» دفاعی و مانند آن‌ها حل می‌نماید» (ماده ۱ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری).

همان طوری که از این تعریف برمی‌آید اختراع دارای سه ویژگی برجسته است که در صورت تحقق آن اختراع محسوب می‌شود: (۱) جدید بودن، (۲) ابتکاری بودن (عبارت «برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند» به این ویژگی اشاره دارد) و (۳) حل مشکل که عبارت اخیر گویای این ویژگی است (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۶۸-۷۲).

به‌هرروی امروزه در صورتی که یک محصول حاوی ویژگی‌های یک اختراع باشد، حمایت‌های قانونی متعددی از آن به ارمغان می‌آورند که در قالب اعطای حق اختراع انجام می‌شود؛ حق اختراع یک حق انحصاری است که در قبال اختراع به مخترع یا نماینده قانونی او برای مدت معین طی یک گواهینامه رسمی اعطا می‌شود (عمادزاده، ۱۳۸۸: ۱۰۰). به‌موجب این حق اختراع، صاحب اختراع از حقوق ویژه‌ای برخوردار می‌شود که به‌موجب آن در قبال سوءاستفاده و نقض توسط اشخاص ثالث از وی حمایت به‌عمل می‌آید.

فرآیندی که ذکر شد، اختراع و اعطای حق به آن، طیفی وسیعی از فناوری‌های و صنایع را دربر می‌گیرد؛ به این معنا که این فرآیند محدود به یک حوزه مشخص نیست، بلکه در هر حوزه‌ای که مفهوم اختراع در آن محقق شود، قانون‌گذار از آن حمایت می‌کند. اختراعات نظامی نیز یکی از این طیف‌هایی است که به‌حسب مورد حمایت‌های قانونی از آن می‌شود.

به‌هرروی برخی در تعریف اختراع نظامی آورده‌اند: «اختراعات نظامی، به اختراعات مرتبط با صنایع دفاعی گفته می‌شود که عمدتاً با هدف تأمین امنیت ملی توسعه می‌یابد.» (هورتز، ۲۰۲۳: ۸۶). این تعریف با این اشکال مواجه است که با ویژگی‌های که برای اختراع نظامی در آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی در جمهوری اسلامی ایران مطرح شده، سازگاری ندارد. در این آیین‌نامه عواملی را که موجب می‌شود به یک محصول نظامی حق اختراع تعلق گیرد، بدین ترتیب احصاء شده است:

۱. ابداعی بودن آن (بند ۱ ماده ۳)

اولین عامل تعیین‌کننده در اختراعات نظامی به‌مانند سایر اختراعات ابداعی بودن آن است؛ به این معنا که محصول موردنظر نوآورانه باشد و جنبه جدید داشته باشد. لذا بند یک ماده سه آیین‌نامه در

ابتدای تعریف اختراع آورده است: «اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند». علاوه بر این بند ۴ ماده ۶ نیز به این مسئله با عبارات دیگری تصریح دارد: «قبلاً در کشور به ثبت نرسیده باشد».

با وجود صراحت به این ویژگی در هر دو بند مذکور، این ویژگی عمومیت ندارد، بلکه شامل یک استثنا است و آن عبارت است از محصولی که شرایط دسترسی به آن در کشور مهیا نیست. ماده ۵ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «در صورتی که یک نوع اختراع یا اکتشاف در سطح جهان انجام و به ثبت رسیده ولی به دلیل تحریم‌های صورت گرفته علیه کشور و یا به دلایل دیگر قابل دسترسی نباشد، در صورت دستیابی محقق ایرانی به آن‌ها، این گونه یافته‌ها معادل اختراعات، اکتشافات محسوب شده و طبق این آیین‌نامه ثبت و با شرایط خاصی که توسط کمیسیون مشخص می‌شود تحت حمایت قرار خواهد گرفت.»

۲. رفع مشکل

دومین عامل تعیین‌کننده در اختراعات نظامی است، این است که محصول موردنظر مشکلی از مشکلات نظامی کشور را حل کند. قسمت دوم بند ماده سه آیین‌نامه مذکور در آخر تعریف اختراع آورده است: «مشکلی را در یک «حرفه، فن، فناوری و صنعت» دفاعی و مانند آن‌ها حل می‌نماید». این ویژگی با عبارات دیگر در بند ۲ ماده ۶ موردتصریح قرار گرفته است: «نتایج برجسته و قابل توجهی داشته باشد.»

هرچند میان دو عبارات مترادف و هم‌معنایی وجود ندارد ولی در عمل، هم‌پوشانی لازم را دارند؛ لذا حاجتی نیست که هر دو عبارات را به‌صورت دو معیار مجزا دانست.

۳. کاربرد نظامی داشتن

در ماده چهار آیین‌نامه مذکور آمده است: «به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سیستم‌های دفاعی (سامانه، فناوری، فرآیند و ...) قابل استفاده و به کارگیری بوده».

مطابق عبارت اخیر هر محصولی که در سیستم دفاعی کشور (به‌وسیله‌ترین معنای ممکن) قابل استفاده باشد، اختراع نظامی محسوب می‌شود، اعم از اینکه مستقیم باشد یا غیر مستقیم و اعم از اینکه کاربرد غیرنظامی داشته باشد یا نه.

۴. افزایش توان ملی و امنیتی

یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده در اختراعات نظامی، این است که یک محصولی توان ملی و امنیتی کشور را افزایش دهد. عبارت «توان دفاعی و امنیتی کشور را بالا ببرد» در ماده چهار آیین‌نامه مذکور به این مطلب اشاره دارد.

عده‌ای نیز در تعریف آن آورده‌اند: «اختراع نظامی عبارت است از هر نوع اختراع یا اکتشافی که قابلیت کاربرد نظامی را داشته باشد و منجر به افزایش توان نظامی و امنیتی کشور شود، فارغ از اینکه توسط سازمان‌های نظامی اختراع شده باشد یا سازمان‌های غیرنظامی و همچنین فارغ از اینکه کاربرد

غیرنظامی داشته باشد یا نه» (پارسامهر، ۱۳۹۸: ۲۶)؛ همچنان که گروهی نیز در تعریف آن آورده‌اند: «هرگاه اختراع و نوآوری در سازمان‌های دفاعی و یا به سفارش آنها انجام شود و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در سیستم دفاعی کشور مورد استفاده و به کارگیری باشد، دفاعی محسوب شده و طبق آییننامه ثبت اختراع، اختراع نظامی محسوب می‌شود.»

به نظر می‌رسد، هر دو تعریف اخیر، تعریف دقیقی هستند؛ زیرا از عمومیت کافی برخوردار هستند و شامل هر نوع اختراع نظامی می‌شود؛ تفاوت میان این دو بیشتر از آنکه معنوی باشد، لفظی است.

۲. رویکردهای مختلف به ثبت اختراع نظامی و مبانی فقهی آن

میان صاحب نظران در اینکه آیا اختراع نظامی نیاز به ثبت دارد یا نه؟ اختلاف نظر وجود دارد. در این بخش به بررسی این دو دیدگاه و مبانی فقهی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. رویکرد مخالفین ثبت اختراع و مبانی فقهی آن

برخی از صاحب نظران معتقد هستند که اختراع نظامی، برخلاف اختراعات غیرنظامی همچون اختراعات صنعتی، نیازی به ثبت ندارند. کسانی که از چنین عقیده‌ای برخوردار هستند، به جای رژیم ثبت اختراع نظامی از رژیم اسراری مانند اسرار تجاری تبعیت می‌کنند.

رژیم اسراری به هرگونه اطلاعات فرمول، فرآیند، طراحی، ابزار یا گردآوری اطلاعات گفته می‌شود که عموماً شناخته شده نیست و به طور منطقی قابل تشخیص نیست. ویژگی این اسرار این است که برای جهان خارج فاش نمی‌شوند. در عوض، صاحبان اسرار تجاری به دنبال محافظت از اطلاعات اسرار تجاری با ایجاد رویه‌های ویژه برای رسیدگی به آن هستند.

نمونه‌ای از این رژیم را می‌توان در حقوق آمریکا و ایران مشاهده کرد. با این توضیح که در حقوق آمریکا، به موجب ماده ۱۸۱ قانون محرمانگی آمریکا که مقرر می‌دارد: «هرگاه انتشار تقاضانامه یا اعطاء گواهینامه اختراع از طریق انتشار تقاضانامه یا اعطاء گواهینامه، برای امنیت ملی مضر باشد رئیس اداره ثبت اختراع مکلف است تا دستور دهد اختراع مربوطه سری حفظ شود»، اختراعی که ثبت آن به ضرر امنیت ملی باشد، محرمانه تلقی شده و به ثبت نمی‌رسد. این ماده هر چند به طور کلی شامل همه نوع اختراعات است، لیکن در میان دکترین نظامی آمریکا در اینکه اختراع نظامی مصداق این ماده است، تردید ایجاد نشده است؛ لذا عملاً در نظام حقوقی آمریکا اختراع نظامی به ثبت نمی‌رسد.

در حقوق ایران نیز، هرچند قانونی که به طور خاص به ثبت حق اختراع نظامی پرداخته شده باشد، وجود ندارد؛ به طوری که در اولین قانونی که در ایران در راستای حمایت از اختراعات به تصویب رسید و به قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری (مصوب ۱۳۱۰ ش) موسوم است، هیچ اشاره‌ای به اختراع نظامی صورت نگرفته است؛ همچنان که در قانون متأخر یعنی ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ ش نیز با این مسئله مواجه هستیم. در سایر قوانین مرتبط با حقوق مالکیت

فکری نیز از حق اختراع نظامی سخنی به میان نیامده است. با وجود این، این گونه نیست که در حقوق ایران سردرگمی در حوزه اختراع نظامی وجود داشته باشد، بلکه نحوه برخورد حقوقی با اختراعات نظامی در آیین نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ ش و با اصلاحات و الحاقات بعدی روشن شده است؛ هرچند که این آیین نامه از جهات متعدد دارای ابهامات حقوقی جدی است (میرشمسی، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

بنابر آنچه گفته شد، روشن است که برای شناسایی سیستم ثبت اختراع در ایران و لزوم یا عدم لزوم آن باید به آیین نامه مذکور رجوع کرد. در ماده ۴ آیین نامه آمده است: «هر گاه اختراع و اکتشاف در سازمان های دفاعی و یا به سفارش و هزینه آن ها ایجاد شده باشد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سیستم های دفاعی (سامانه، فناوری، فرآیند و ...) قابل استفاده و به کارگیری بوده و توان دفاعی و امنیتی کشور را بالا ببرد، اعم از این که کاربرد غیر دفاعی داشته و یا نداشته باشد، دفاعی محسوب و طبق این آیین نامه به ثبت خواهند رسید.» بنابر تصریح این ماده مخترع می تواند اختراع خود را به ثبت برساند. تبصره ماده نیز محرمانه بودن سیستم ثبت را مورد تصریح قرار می دهد: «تبصره-اگر اختراع و اکتشاف توسط اشخاصی در خارج از سازمان های دفاعی و یا به سفارش و هزینه آن ها ایجاد نشده باشد اما کاربرد عمده آن دفاعی و افشای آن به امنیت و توان دفاعی کشور ضربه بزند، دفاعی محسوب و ضمن پیشگیری از افشای آن طبق این آیین نامه ثبت و تحت حمایت قرار خواهد گرفت.» هرچند در این تبصره محرمانه بودن ثبت نسبت به اختراعات خارج از سازمان های نظامی است، لیکن روشن است که به طریق اولی نسبت به اختراعات نظامی داخل سازمان نظامی نیز این سیستم پابرجاست.

با وجود تصریحات مذکور، مواد بعدی آیین نامه به گونه ای تنظیم شده است که عملاً حقوق معنوی که هدف نهایی ثبت اختراعات است نادیده گرفته شده است؛ لذا عملاً می توان گفت در ایران نیز سیستم ثبت در اختراعات نظامی پذیرفته نشده است. این بخش طی دو بخش مجزا پی می گیریم.

۲-۱-۱. سازمان های دفاعی-نظامی

بخشی از اختراعات نظامی و حتی بالاتر از آن عمده اختراعات نظامی، به واسطه سازمان های دفاعی-نظامی انجام می شود؛ به عنوان مثال در بسیاری از موارد مشاهده می شود که وزارت دفاع با اختراع ادوات دفاعی-نظامی آن ها را در اختیار نیروی های مسلح قرار می دهد. به هر روی آنچه از مواد آیین نامه قابل استنباط است، این است که اختراعات دورن سازمانی، عملاً مفید حق مالکیت برای اشخاص حقیقی یا سازمان نمی شود؛ بلکه صرفاً از حقوق اقتصادی بهره مند می شوند. توضیح مطلب اینکه ماده ۱۰ آیین نامه مقرر می دارد: «اختراع و اکتشافی که در سازمان های دفاعی حاصل می شود حقوق ناشی از آن مشترک به سازمان مخترع یا مکتشف حسب مورد تعلق خواهد گرفت.» همان طوری که روشن است این حقوق ناشی از اختراع را برای اشخاص حقیقی و سازمان ها به رسمیت می شناسد و تعبیر به

حقوق عام است و شامل حق مالکیت نیز می‌شود؛ با وجود این تبصره ماده مذکور به گونه‌ای تفسیر می‌کند که منظور از حقوق، حقوق اقتصادی است، نه حقوق مالکیتی. این تبصره مقرر می‌دارد «درصد حقوقی که در این گونه موارد به اشخاص حقیقی تعلق می‌گیرد توسط کمیسیون موضوع ماده ۱۳ تعیین می‌گردد. اما میزان آن کمتر از ۱۰٪ ارزش اقتصادی با ارزش انحصاری ثبت اختراع و اکتشاف نخواهد بود.» آنچه که این برداشت را تقویت می‌کند، ماده هشت آیین‌نامه است که به طور کلی مقرر می‌دهد: «حقوق مادی ناشی از اختراع و اکتشاف، با صدور معرفی نامه و تعیین مبلغ حمایت مادی از طرف کمیسیون برای مؤسسه از محل صندوق ویژه حمایت از اختراعات پرداخت می‌شود.» تعبیر «تعیین مبلغ حمایت مادی» گواه بر این است که مقصود نویسندگان آیین‌نامه از حقوق، حقوق به معنای مصطلح نیست، بلکه مراد از آن حقوق اقتصادی و به معنای اخص کلمه مقدار پولی است که به ازای ارزش اختراع به مخترع و مکتشف داده می‌شود.

بنابر آنچه گفته شد، روشن است که تعبیر «حقوق» در این مواد با تعبیر مصطلح آن در علم حقوق فرسنگ‌ها دور است؛ زیرا در اصطلاح حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به شخص یا چیزی اعتبار شده، و به مقتضای توانایی آن کس یا کسان در آن چیز یا شخص تصرفی نموده یا بهره‌ای برگیرند؛ حال آنکه مطابق مواد آیین‌نامه صرفاً از حقوق اقتصادی برخوردار هستند و نسبت به سایر حقوق هیچ تصریحی ندارد. به واقع نویسندگان به طور ضمنی هر گونه حقوق از جمله حقوق مالکیتی و تصرفات را سلب کرده‌اند و این سلب از ابتدا است، نه اینکه ابتدائاً ملکیت صورت گرفته شده باشد و بعداً اجباری از وی سلب شده باشد، مانند آنچه در حقوق عمومی می‌توان مشاهده کرد.

به نظر می‌رسد این دیدگاه ضمنی با منطق حقوقی نیست، ناسازگار نباشد؛ زیرا در اختراعات درون سازمانی، کلیه امکانات و سرمایه‌های سازمانی در اختیار اشخاص قرار داده می‌شود تا آن‌ها بتوانند در راستای سیاست‌های سازمان مورد نظر عمل کنند؛ لذا منطقی است که نتایج آن به اشخاص تعلق نگیرد و آن‌ها صرفاً از مزایای اقتصادی بهره‌مند شوند.

۲-۱-۲. اشخاص خارج از سازمان‌های دفاعی - نظامی

در آیین‌نامه صرفاً به اختراعات درون سازمانی اشاره نشده است، بلکه فرضی را که این اختراعات از سوی اشخاص حقیقی خارج از سازمان صورت گرفته شده است، نیز مورد تصریح قرار گرفته است. آیین‌نامه در برخورد با حقوق اشخاص حقیقی دو صورت مجزا در نظر گرفته است:

الف) حیاتی بودن اختراع

در صورتی که اختراع مورد نظر برای توان دفاعی و امنیت ملی کشور حیاتی و ضروری باشد، مخترع و مکتشف حق مخالفت با استفاده از اختراع و اکتشاف خود را ندارد. در این راستا ماده ۱۲ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «در صورتی که بنا به تشخیص سازمان‌های دفاعی، استفاده از اختراع و اکتشافی که

برابر مفاد این آیین نامه به ثبت رسیده و جهت منافع عمومی به خصوص توان دفاعی و امنیتی کشور حیاتی یا ضروری باشد، مخترع و مکتشف حق مخالفت با استفاده از اختراع و اکتشاف خود را ندارد و تنها می‌تواند حقوق خود را طبق آیین نامه و مقررات جاری کشور مطالبه نماید. در صورت مخالفت صاحب حق، ضرورت و حیاتی بودن استفاده از اختراع و اکتشاف بایستی به تأیید بالاترین مقام سازمان که رتبه سازمانی آن از وزیر یا هم‌ردیف آن کمتر نباشد برسد.»

صدر ماده ۱۲ آیین‌نامه بیان‌گر یک قاعده کلی است و آن اینکه اگر اختراعی مطابق با آیین‌نامه به ثبت برسد و برای منافع عمومی به خصوص توان دفاعی و امنیتی کشور ضروری و حیاتی باشد، مخترع یا مکتشف حق مخالفت ندارد. منافع عمومی به‌مانند بسیاری از مفاهیم حقوقی که صبغه اجتماعی بودن دارد، مفهومی است سهل و ممتنع؛ زیرا با وجود اینکه در اذهان عموم افراد، مفهومی شناخته شده و قابل فهم است ولی در نزد خواص، خصوصاً فلاسفه و حقوق دانان، از مفاهیم غامض به‌شمار می‌رود؛ لذا تعاریف گوناگونی از آن شده‌است. برخی آن را به نفع مشترک همگانی یا همان الزامات حیات جمعی که حفظ کیان جامعه در گرو تحقق آن است، تعریف کرده‌اند (منصوریان، ۱۳۹۵: ۱۲۲) و عده‌ای نیز اظهار داشته‌اند: «منفعت عمومی سطحی از سود و فایده تلقی می‌شود که همگان از آن برخوردار خواهند بود و اموری را در برمی‌گیرد که برای توده‌ی مردم مطلوبیت دارد و آنان را بهره‌مند می‌کند.» (همان) از این تعاریف روشن می‌شود که منافع عمومی از دو عنصر تشکیل شده‌است: عمومیت و نیازها؛ بنابراین در جایی که عموم مردم به امری نیازمند شده‌اند، باید آن را از منافع عمومی تلقی کرد.

این ماده حق استفاده از اختراع نظامی را که در جهت منافع عمومی باشد، بدون اینکه رضایت مخترع یا مکتشف جلب شود، به رسمیت می‌شناسد. ولی همان‌طوری که در ماده تصریح شده‌است، هر منفعت عمومی باعث نمی‌شود که مالکیت افراد نادیده انگاشته شود، بلکه منوط بر این است که برای منافع عمومی ضروری و حیاتی باشد.

(ب) ضرورت نداشتن

در صورتی که اختراع نظامی برای منافع عمومی جامعه از جمله توان نظامی و امنیتی کشور ضروری نباشد، ماده ۱۱ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «اختراع و اکتشافی که خارج از سازمان‌های دفاعی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی حاصل می‌شود و کاربرد خاص دفاعی، انتظامی و اطلاعاتی داشته باشد، در ازاء پرداخت ارزش اقتصادی یا ارزش انحصاری کارشناسی شده آن به اشخاص مزبور، به قطب صنایع دفاعی مربوطه واگذار می‌شود. مؤسسه هماهنگی لازم جهت انتقال اختراع و اکتشاف پرداخت حقوق مالک آن را انجام خواهد داد.»

بنابر آنچه گفته شد، عملاً در اختراعات نظامی مفهوم حقوق مالکیت فکری به رسمیت شناخته نشده‌است؛ در نتیجه عملاً در اختراعات نظامی، رژیم حقوق مالکیتی حاکم نیست و صرفاً مخترع یا مکتشف می‌تواند مزایای مادی اختراع را مطالبه کند و حق معنوی نسبت به اختراع ندارد.

۲-۱-۳. مبانی فقهی مخالفین ثبت اختراع

کسانی که با ثبت اختراعات نظامی مخالف هستند، ممکن است به استدلال‌های ذیل استناد کنند:

الف) تنافی ثبت اختراع با حفظ اسرار نظامی

حفظ اسرار نظامی از جمله مقوله‌هایی است که هم در روایات و هم در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) مورد توجه قرار گرفته است؛ در همین راستاست که فقهیان امامیه بر حرمت تجسس اجماع دارند: (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۳: ۲۹۸). نمونه‌ای از این رازداری را می‌توان در عملکرد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) مشاهده کرد. پیامبر اکرم (ص) عبدالله بن جحش را به هنگام نماز عشاء خواست و فرمود: صبحگاه مسلحانه نزد من بیا که با تو کار دارم، عبدالله بن جحش صبح زود خدمت پیامبر (ص) رسید. پیامبر اکرم (ص) نامه‌ای به او داد و فرمود: بسوی مکه حرکت کن و پس از پیمودن دو روز راه، این نامه را باز کن و آنچه را که در آن است مورد عمل قرار ده، اما همراهان خود را به آمدن مجبور نساز. عبدالله چنین کرد، هنگامی که نامه را باز کرد، دید نوشته است: در نخله که بین مکه و طائف قرار دارد، قرار می‌گیری و چگونگی رفت و آمد قریش و قافله‌های آنان را دقیقاً به من گزارش می‌کنی. همچنان که در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَيَّرَ قَوْمًا بِالْأَذَاعَةِ، فَقَالَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاؤُوا بِهِ، فَيَأْكُمُ وَ الْأَذَاعَةَ» (۲)؛ خداوند متعال گروهی را به خاطر افشای اسرار سرزنش فرموده و گفته است هنگامی که مطلبی درباره امنیت یا خوف [پیروزی یا شکست] به آنها می‌رسد، فوراً آن را فاش می‌کنند [یا آنها را به عنوان پیروزی از خطرات دشمن غافل می‌سازند و یا به عنوان شکست مأیوس می‌کنند] بنابراین از افشای اسرار بپرهیزید.» (واقدی، بی تا: ج ۱: ۱۳)

مطابق این روایات و سایر روایات موجود (بنگرید به صبحی: ۱۴۱۴: قصار ۴۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۳۷۰) و به حکم عقل و بناء عقلانی لازم است که از افشای اسرار نظامی پرهیز کرد و از آن جهت که ثبت اختراع عملاً منجر به افشای اختراع نظامی است، لذا امری برخلاف روایات، حکم عقل و بنای عقلاء است.

ب) حفظ نظام اسلامی

یکی دیگر از استدلال‌های که می‌توان به سود این رویکرد مطرح کرد، استناد به حفظ نظام اسلامی است. توضیح مطلب اینکه یکی از پایه‌های حفظ نظامی اسلامی توان دفاعی و نظامی کشور است و در نصوص دینی فراوان مشاهده می‌شود که به آمادگی نظامی سفارش شده است (فاضل مقداد، بی تا: ج ۱: ۳۸۸)؛ همچنان که به تقویت این آمادگی سفارش شده است. به عنوان مثال در آیه ۶۰ سوره انفاق آمده است: «در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده سازید و (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد. و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی

اسلام) انفاق کنید به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.» از سوی دیگر به اذعان کارشناسان نظامی اختراعات نظامی هسته اصلی توان نظامی و دفاعی کشور را تشکیل می‌دهد؛ این اختراعات نظامی هم نوعی آمادگی نظامی است و هم نوعی تقویب نظامی است و از آن جهت که ثبت اختراع آن را در معرض افشا به دشمنان نظام اسلامی قرار می‌دهد، عملاً نتیجه معکوس خواهد داشت؛ یعنی آمادگی و تقویب نظامی را تضعیف می‌کند و به تبع عناصر حفظ نظام اسلامی تضعیف می‌شود.

ج) تضعیف امنیت ملی

برخی از صاحب‌نظران معتقد هستند که ثبت اختراعات نظامی تهدیدی برای امنیت ملی است؛ زیرا اختراعات نظامی با مفهوم امنیت ملی رابطه تنگاتنگی دارد. بنا به اذعان کارشناسان نظامی، اختراعات و نوآوری‌های نظامی عامل کلیدی است که به کشورها اجازه می‌دهد تا برتری نظامی خود را حفظ کند و این برتری نظامی هم رابطه تنگاتنگی با امنیت ملی دارد و هم منجر به برخورداری از مزیت قابل توجه در نظام بین‌المللی می‌شود. بنابراین برتری نظامی که از ساحت نوآوری و اختراعات نظامی برمی‌خیزد، رابطه دو سویه با امنیت ملی دارد؛ لذا بی‌وجه نیست که مطالعات پنتاگون در اوایل دهه ۲۰۰۰ بر نیاز به حفظ برتری فناوری در بسیاری از زمینه‌ها به منظور حفظ «سلطه جنگ» تأکید کرد.

۲-۱-۴. نقد رویکرد مخالفین ثبت اختراع

به نظر می‌رسد، این رویکرد را به اطلاق خودش نمی‌توان صحیح قلمداد کرد؛ زیرا استدلال‌های سه‌گانه وافی به کل مقصود موافقین نیست؛ زیرا مقصود موافقین این است که همه اختراعات نظامی در طیف‌های متعدد نیازی به ثبت ندارد، حال آنکه در حقیقت این گونه نیست؛ زیرا:

اولاً روشن است که ثبت هر اختراع نظامی مصداق تضعیف امنیت دفاعی-امنیتی نیست؛ چراکه برخی از اختراعات نظامی در دسترس همگان قرار دارد؛ همچنان که برخی از اختراعات نیز از حیث اهمیت در درجه‌ای نیست که ثبت آن بتواند به تضعیف دفاعی-امنیتی منجر شد.

بنابراین در صورتی که اختراع نظامی از چنین ویژگی (دسترسی همگانی و عدم حساسیت) برخوردار باشد، مشمول ادله موافقین ثبت خواهد بود؛ چراکه همان‌طوری که در ادامه خواهد آمد، اختراعات نظامی نتیجه تلاش فکری مخترعین است و در نتیجه در ملکیت مخترعین است و به مانند سایر اموال مشمول حرمت تصرف از سوی دیگران خواهد بود.

ثانیاً موافقین ثبت اختراع نظامی منکر مسائل مرتبط با قدرت نظامی-امنیتی نیستند و در راستای تأمین این حیث، معتقد هستند که روند ثبت اختراع باید محرمانه باشد. به عبارت دیگر ضمن تأکید بر مالکیت معنوی، بر محرمانگی آن نیز تأکید دارند.

۲-۲. رویکرد موافقین ثبت اختراع نظامی

در مقابل رویکرد نخستین، برخی از صاحب نظران معتقد هستند که اختراع نظامی نیز به مانند سایر اختراعات، نیاز به ثبت دارد؛ با این تفاوت که سیستم ثبت اختراعات نظامی باید محرمانه باشد؛ بالعکس سایر اختراعات که سیستم ثبت آن‌ها محرمانه نیست. از جمله کشورهایی که تا حدودی به این سیستم پایبند هستند، چین و روسیه است (بنگرید به: میرشمسی، ۱۳۹۷: ۱۱۳-۱۱۴). کسانی که از این دیدگاه پیروی می کنند، ممکن است استدلال‌های ذیل را ارائه کنند:

الف) قاعده حرمت اختلال در نظام

قاعده حرمت اختلال در نظام را که از آن به وجوب حفظ نظام نیز یاد می کنند، می توان یکی از مستندات وجوب ثبت اختراع نظامی دانست. در ادامه ضمن تبیین مفاد قاعده و کاربردهای آن، چگونگی استناد به این قاعده در جهت لزوم ثبت اختراع روشن خواهد شد.

۵. مفاد قاعده اختلال در نظام

قاعده اختلال در نظام هرچند از حیث معناشناسی مفردات آن روشن است؛ زیرا کلمه اختلال در لغت از ریشه خلل گرفته شده است و به ایجاد فاصله بین دو چیز، خلل پذیرفتن، درهم برهم شدن، نابسامانی و آشفتگی معنا شده است و نظام نیز از مصدر «نَطَمَ» این چنین معنا شده است: «التَّطْمُ: التَّأْلِيفُ، وَ صَمُّ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ آخَرَ. وَ كُلُّ شَيْءٍ قَرَنَتْهُ بِآخَرَ فَقَدْ نَطَمْتَهُ. وَ النَّطْمُ: الْمَنْظُومُ بِاللُّوْلُؤِ وَ الْحَرَزِّ، وَصِفَ بِالْمَصْدَرِ.» (زبیدی، ۱۴۴۴: ۳۳: ۴۹۶) و فق این معنا نظم عبارت است از تألیف و انضمام و مقارن کردن دو چیز به همدیگر است؛ همچنان که نظم به منظوم کردن مرواریدها از طریق نخ نیز معنا شده است.

مطابق با آنچه گفته شده، اختلال در نظام را می توان این گونه تعریف کرد: هر آنچه که نظم جاری و ساری میان اشیاء را برهم زند (جمالزاده، ۱۳۹۶: ۸). با وجود این بداهت در معناشناسی، در اینکه مقصود از نظام در این قاعده چه نظامی است؟ احتمالات متعدد داده شده است:

احتمال نخست: نظام اجتماعی

مطابق این احتمال، مقصود از نظام، نظام حاکم بر اجتماع است؛ یعنی اموری که زندگی عمومی مردم بدون آن مختل می شود. این معنا از نظام در السنه فقهیان زیاد به کار رفته است. به عنوان مثال در ذیل بحث از مقدمات دلیل انسداد در نفی اخذ احتیاط آورده اند: «الكلام في أن حکم الله تعالى على تقدير انسداد باب العلم وعدم نصب الطريق الخاص لا يمكن أن يكون هو الاحتياط بالنسبة إلى العباد للزوم الحرج البالغ حد اختلال النظام.» (حکیم، ۱۴۳۱: ۲: ۵۸) «فهی بالنسبة إلى عدم وجوب الاحتياط التام بلا كلام فيما يوجب عسرة اختلال النظام.» (آخوند، بی تا: ۳۱۳).

احتمال دوم: نظام دین

وفق این احتمال، مقصود از نظام، نظام دین اسلام است؛ به این معنا که هر آنچه که اساس دین اسلام را تهدید کند، از نظر شارع مطلوب نیست. از این احتمال گاهی با تعابیری از قبیل بیضه اسلام یا نظام المله یاد می‌کنند. این احتمال نیز در عبارات فقیهان در باب جهاد به‌وفور یافت می‌شود. به‌عنوان مثال در کتاب السرائر آمده است: «والجهاد مع أئمة الجور، أو من غیر إمام خطأ يستحق فاعله به الإثم، وإن أصاب لم یوجر، وإن أصیب کان مأثوما، اللهم إلا أن یدهم المسلمین والعیاذ باللّٰه أمر من قبل العدو یخاف منه علی بیضة الإسلام، ویخشی بواره، وبیضة الإسلام: مجتمع الإسلام وأصله، أو یخاف علی قوم منهم، وجب حینئذ ایضا جهادهم و دفاعهم.» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲: ۴)

احتمال سوم: نظام حکومت اسلامی

وفق این احتمال مقصود از نظام، حفظ نظام سیاسی اسلام است؛ به این معنا که هر آنچه که نظام سیاسی مستقر اسلامی را مختل کند، از نظر شارع نامطلوب است. این احتمال بعد از انقلاب اسلامی ظهور و بروز داشته است (خمینی، ۱۴۲۲ق: ج ۳: ۵۱۰).

در اینکه کدام یک از این احتمالات مقصود فقیهان بوده است، در متون فقهی نشانه روشنی وجود ندارد؛ زیرا هرچند فقیهان در عبارات و تعابیر خود مکرر از تعابیر وجوب حفظ یا حرمت اختلال در نظام استفاده کرده‌اند، ولی اینکه به‌عنوان یک بحث مجزایی-به‌عنوان مثال به‌عنوان یک قاعده- مطرح شده باشد، در کتب فقیهان یافت نمی‌شود و این وضعیت باعث گردیده است، فهم مراد آن‌ها از میان احتمالات سه‌گانه مشکل‌ساز باشد.

از یک‌سوی ممکن است برخی اظهار داشته باشند که هر سه احتمال می‌تواند مدعای قاعده باشد؛ به این معنا که قاعده بر هر سه معنا دلالت دارد؛ ولیکن اندک تأملی این گفته را متزلزل می‌کند؛ زیرا هر سه احتمال هرچند از حیث صدق نظام، با مانعی روبه‌رو نیست، ولی از حیث مصداقی تعارضات زیادی دیده می‌شود. توضیح مطلب اینکه مطابق احتمال اول، آنچه که ملاک حرمت اختلال در نظام است، اختلال در زندگی عموم مردمان است؛ خواه این مردمان مسلمان باشند یا غیر مسلمان و خواه حکومت اسلامی پابرجا باشد یا نباشد و براساس احتمال دوم آنچه که ملاک است، حفظ اساس و کیان دین اسلام است، خواه زندگی عمومی مردمان مختل باشند یا نه و درنهایت بر اساس احتمال سوم نیز ملاک حفظ حکومت اسلامی است، خواه مردمان ذیل سیطره حکومت اسلامی مسلمان باشند یا نه و خواه زندگی عمومی مردمان مختل باشد یا نه.

بنابر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد، ما با سه قاعده مختلف مواجه هستیم: قاعده حرمت در اختلال در نظام اجتماعی مردم، قاعده وجوب حفظ کیان اسلام و درنهایت قاعده وجوب حکومت اسلامی و هر سه این قاعده مدارک و مستندات فقهی کافی دارد و در نتیجه می‌توان تحت سه قاعده مجزا از آن‌ها بحث کرد و در مسئله مورد نظر ما نیز از آن جهت که مسئله در ارتباط قاعده نخست است، لذا وارد دو قاعده بعدی نخواهیم شد.

۶. مستندات قاعده

برای اثبات حجیت قاعده اختلال در نظام به معنای نخست آن (اختلال در نظام اجتماعی) به ادله‌ای متعددی تمسک جستند. از جمله این مستندات تمسک به عقل و بنای عقلاست؛ بدین تقریر که اساساً منش عقل این گونه است که به تنظیم امور می‌پردازد و این تنظیم همه ساحت‌های فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد؛ همچنان که نظم از مصالح و حکمت‌های بشر است؛ بنابراین هر آنچه در تعارض با منش عقل و مصلحت و حکمت مذکور است، از مصادیق دوری از عقل و تعقل است و مذموم بودن این امر بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر می‌توان بالاتر از آن ادعا کرد که نظم و نظم‌دهی از امور نیست که بنای عقلاء بدان استوار است. شاهد بر این مدعا سیطره نظم در امور اجتماعی خرد و کلان است که در سطح جامعه به‌وفور می‌شود. اینکه در ساعات مشخصی مشاغل تعطیل یا باز می‌شوند؛ اینکه در ساعات مشخصی رفت‌وآمد در نظر گرفته می‌شود؛ اینکه در روزه‌های مشخصی تعطیل همگانی در نظر می‌گیرد؛ همه این موارد حاکی از اهتمام عقلاء به نظم و اهمیت آن است و از طرف شارع نیز ردی بر این بناء صورت نگرفته است (باقری‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

علاوه بر عقل و عقلاء، می‌توان به در این رابطه استظهار اجماع نیز کرد. استظهار اجماع عبارت است از اینکه در جایی که کسی نقل اجماع نکرده است (اجماع منقول) و همچنین اجماع محصلی نیز صورت نگرفته باشد - خصوصاً اینکه تحصیل اجماع محصل در برخی از موضوعات مشکل است - فقیه بتواند با مجموع اقوال مشخص و قرائن به یک ظن اطمینانی برسد که قاطبه فقهاء نظری خاصی در یک مسئله دارند. در مسئله مورد نظر نیز به نظر می‌رسد، این استظهار محقق است؛ زیرا تمسک به اختلال در نظام چه در میان فقهیان متقدم و چه در میان فقهیان متأخر فراوان دیده می‌شود و از طرف دیگر ردی نیز از طرف سایر فقهیان صورت نگرفته است؛ لذا می‌توان ادعا کرد که این مسئله اجماعی است.

گذشته از این اهمیت حفظ نظام و جلوگیری از اختلال در نظام را می‌توان از دل برخی از روایات نیز استنباط کرد. به عنوان مثال از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است: «تحفص بن غیاث عن ابي عبدالله قال: قال له رجل اذا رايت شينا في يدي رجل يجوز لي ان اشهد انه له؟ قال: نعم قال الرجل: اشهد انه في يده و لا اشهد انه لهفلعله لغيره. فقال ابو عبدالله ا فيحل الشراء منه؟ قال: نعم. فقال ابو عبدالله فلعله لغيره فمن اين جاز لك ان تشريه و يصير ملكا لك ثم تقول بعد الملك هو لي و تحلف عليه ولا يجوز ان تنسبه الي من صار ملكه من قبله اليك؟ ثم قال ابو عبدالله - عليه السلام -: لو لم يجز هذا لم يقيم للمسلمين سوق؛ حفص بن غياث از حضرت صادق - عليه السلام - نقل می‌کند که: آن حضرت - عليه السلام - به مردی که از ایشان سؤال کرده بود آیا اگر من چیزی در دست کسی بینم جایز است شهادت بدهم آن شیء مال او است؟ فرمود: آری جایز است. آن مرد گفت: شهادت خواهم داد که آن مال در دست او است، ولی گواهی نمی‌دهم که به او تعلق دارد، زیرا ممکن است مال دیگری باشد. حضرت - عليه السلام - فرمود آیا حلال است آن شیء از او خریده شود؟ مرد گفت: آری حلال است. امام - عليه السلام - فرمودند: شاید مال دیگری باشد پس چگونه جائز است تو آن را

بخری و بعد از تملکش بگویی که متعلق به من است و بر آن سوگند یاد کنی، ولی جایز نیست نسبت به مالکیت کسی که تو از ناحیه او مالک گردیده‌ای اقرار کنی؟ سپس حضرت-علیه‌السلام- فرمود: اگر این امر جائز نباشد برای مسلمان‌ها بازاری برپا نمی‌ماند.» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۸ ج: ۲۱۵).

همچنان که می‌توان به روایاتی که به نظم توصیه کرده‌اند، نیز تمسک جست. حضرت امیر (علیه السلام) در ضمن وصیتنامه ای خطاب به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرماید: «اَوْصِيكُمْا وَ جَمِيعَ وَاٰلِدِي وَ اَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللّٰهِ وَ نَظْمِ اَمْرِكُمْ؛ شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه ام بدو رسد، به ترس از خدا و نظم در کارهایتان، سفارش می‌کنم».

۷. تقریر دلالت قاعده بر وجوب ثبت اختراعات نظامی

ثبت اختراعات نظامی را می‌توان از مصادیق حفظ نظام دانست؛ زیرا قاعده حفظ نظام منحصر در برخی از نظام‌های نیست، خواه از حیث نوع نظام و خواه از حیث خرد یا کلان بودن و چنین تقییدی هم در کلام فقهیان دیده نمی‌شود؛ بلکه برعکس تنوع کاربرتها این فرضیه را رد می‌کند. مصداق‌انگاری ثبت اختراعات را-به‌عنوان یکی از مصادیق قاعده حفظ نظام- می‌توان با دو تقریر ثابت کرد:

تقریر نخست: نوآوری در اختراعات نظامی را باید هسته اصلی امنیت نظامی و دفاعی یک کشور دانست و امنیت نظامی و دفاعی نیز با امنیت ملی در رابطه تنگاتنگی قرار دارد و ازسوی دیگر عدم ثبت اختراع می‌تواند مانع از نوآوری شود؛ به‌طوری که دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی تمایلی به ورود به این عرصه حیاتی کشور نخواهند داشت و درنتیجه عدم ثبت منجر به تضعیف توان دفاعی-امنیتی کشور خواهد شد.

تقریر دوم: ثبت اختراعات جدا از اینکه زمینه پویایی و نوآوری را تضمین می‌کند، عملاً باعث خواهد شد که مخترعین و مکتشفین شناسایی شود و به‌تبع امکان فراهم‌شدن حمایت‌های قانونی از حقوق معنوی آن‌ها را فراهم می‌کند و درنتیجه ادعای بعدی افراد جاعل و متغلب را خنثی می‌کند و این‌گونه نظم حقوقی و قضایی افراد را تأمین می‌کند. به‌عبارت‌دیگر عدم ثبت اختراع عملاً منجر به بی‌نظمی در مدعیان اختراعات نظامی می‌شود؛ بی‌نظمی که نقض آشکار فلسفه حمایت از اختراع که حمایت از توسعه و نوآوری است.

نویسندگان در دو تقریری که گفته شد، تنها نیستند؛ لذا برخی از نویسندگان در حمایت فقهی از ثبت اختراع به این قاعده استناد می‌کند و می‌نویسد: «ازسوی دیگر صنعت، تجارت و اقتصاد و فرهنگ جامع با حقوق مرتبط با مالکیت فکری پیوند نزدیکی برقرار کرده‌است و این روند روبه‌رشد که هم‌اکنون نیز در تمام عرصه‌های زندگی بشری نفوذ کرده‌است طی سال‌های آینده از عناصر و لوازم جدایی‌ناپذیر زندگی افرادشده و نظام اجتماعی بر پایه‌های آن استوار خواهد گردید. ازاین‌رو، وضع قوانین و مقرراتی که مانع از اختلال در این نظام اجتماعی شود، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. روشن است اگر در قوام نظم

اجتماعی به صنعت نرم افزار خدشه وارد شده و صغرای قضیه مخدوش گردد، استدلال مذکور تمام نخواهد بود. لکن به اعتقاد ما، هم اکنون نادیده گرفتن حقوق پدیدآورندگان آثار از مصادیق اخلاف به نظم عمومی است» (بای، ۱۳۹۳: ۵۱). نویسنده مذکور در ادامه در تأیید سخن خویش به سخن برخی از صاحب نظران اشاره می کند.

ب) استناد به قاعده سلطنت

یکی دیگری از ادله که می توان برای لزوم ثبت بدان استناد کرد، قاعده سلطنت است. قاعده سلطنت که با تأسی از حدیث نبوی (ص): «انَّ النَّاسَ مَسْلُومُونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ» با نام های دیگری همچون قاعده تسلیط و قاعده تسلط از آن یاد می شود (نجفی، ۱۹۸۱: ج ۲۲: ۴۷۸؛ مکارم، ۱۴۱۶: ج ۲، ۱۷)، متضمن این معناست که هر مالکی بر انواع تصرف ها در اموال خویش مسلط است و هیچ شخصی یا نهادی نمی تواند سلطنت وی را بر اموالش محدود نماید (مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۱۳۶).

این قاعده مستند به احادیث متعددی است، از جمله حدیث اخیر که در کتب فقهی فراوان استناد به آن مشاهده می شود و حدیث «الرجل یكون له الولد ایسعه ان یجعل ماله لقرابته؟ قال: هو ماله یصنع به ماشاء الی ان یأتیة الموت» سماعه نقل می کند که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: «آیا شخص صاحب اولاد می تواند اموال خود را به خویشاوندان خود واگذارد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: مال از آن اوست. مادام که زنده است، هر کاری می تواند با آن بکند (حر عاملی، بی تا، ج ۱۳: ۳۸۱). عبارت اخیر «هو ماله یصنع به ماشاء الی ان یأتیة الموت» شاهد بر مدعای قاعده است.

علاوه بر این دو روایت، روایت عمارین موسی از امام صادق (علیه السلام): «صاحب المال احق بماله مادام فیه شیء من الروح یضعه حیث یشاء؛ صاحب مال مادام که آثار حیات در او موجود است، نسبت به تصرف در مال خود از هر کسی شایسته تر است» (همان) مورد استناد فقهبان قرار گرفته است. عبارت «یضعه حیث یشاء» شاهد بر مدعای قاعده است.

به هر روی، مفاد این قاعده حاکی از این است که شخص می تواند به انواع طرق در مال خود تصرف کند؛ لیکن این تسلط بر تصرف در اموال خود علی الاطلاق نیست؛ بلکه مقید به شرایطی است؛ به طوری که در صورت برخورد با این شرایط، قاعده سلطنت اعمال نخواهد شد. از جمله شرایطی که منجر به تضییق قاعده می شود اضرائی بودن آن است؛ لذا در این گونه موارد مابین قاعده لاضرر و قاعده سلطنت تعارض ایجاد می شود و در صورتی که دوران امر مابین اضرائی به دیگری و عدم تضرر مالک باشد، به اجماع فقهبان قاعده لاضرر مقدم بر قاعده سلطنت است (سیستانی، ۱۴۱۴، ۳۲۸).

شیوه استناد به این روایت از این جهت است که اختراعات نظامی ماحصل تلاش فکری و اندیشه ای مخترع بوده است؛ لذا متعلق به اوست و به موجب قاعده سلطنت او می تواند بر این اختراع هر گونه تصرفی داشته باشد، از جمله اینکه او می تواند دیگران را نسبت به نقض حقوق اختراعی خود

ممنوع سازد و لازمه این سلطنت این است که به ثبت برسد؛ زیرا در صورتی که به ثبت نرسد، عملاً قانون‌گذار نمی‌تواند حمایتی از حقوق وی داشته باشد.

در این رابطه یکی از فقهای معاصر می‌نویسد: «هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه وی بوده و بنابراین، مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند» (حسنی، ۱۳۸۵: ج ۲: ۹۷).

ج) استناد به نفع

در برخی از آثار نوشته‌های فقهی معاصرین نوعی از استدلال مشاهده می‌شود که آن را می‌توان استناد به نفع دانست (رضوی، ۱۳۹۲: ۵۶)؛ در این بخش به مفهوم نفع پرداخته می‌شود؛ سپس با توجه به پیوند میان نفع و مصلحت، به تعریف مصلحت پرداخته می‌شود و در آخر نسبت بین منفعت و مصلحت و کیفیت استناد به نفع تبیین می‌شود.

- مفهوم نفع در فقه

نفع در زبان فارسی به معنای سود و فایده آمده است. در زبان عربی نیز عده‌ای از لغویان نفع را به ضد ضرر معنا کرده‌اند. در لسان العرب، الصحاح و العین چنین معنا شده است: «النَّفْعُ: ضِدُّ الضَّرِّ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸: ۳۵۸). در مقابل عده‌ای به خیر معنا کرده‌اند: در مصباح المنیر آمده است: «النَّفْعُ: الْخَيْرُ وَ هُوَ مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ الْإِنْسَانُ إِلَى مَطْلُوبِهِ» (فیومی، بی‌تا: ج ۲: ۶۱۸) و در نهایت گروهی نیز آن را به اسباب وصول به خیر معنا کرده‌اند: در تاج العروس آمده است: «النَّفْعُ، كَالْمَنْعِ ضِدُّ الضَّرِّ، وَ هُوَ مَعْرُوفٌ، وَ فِي الْبَصَائِرِ: هُوَ مَا يَسْتَعَانُ بِهِ فِي الْوُصُولِ إِلَى الْخَيْرِ، وَ قَدْ نَفَعَهُ نَفْعًا، وَ انْتَفَعَ بِهِ، وَ الْأَسْمُ: الْمَنْفَعَةُ» (زبیدی، بی‌تا: ج ۱۱: ۴۸۵)؛

از تعاریف لغوی مذکور روشن می‌شود، بنا بر اینکه نفع را ضد ضرر بدانیم، پس صرف نبود ضرر نفع است ولی اگر نفع را به معنای خیر بدانیم، نفع عبارت است از آنچه به آدمی خیر رساند؛ در نتیجه صرف نبود ضرر نفع نیست، بلکه اگر مفید خیر برای آدمی باشد، مصداق نفع است. به نظر می‌رسد تعریف به خیر و اسباب وصول به خیر اولی از تعریف به ضد ضرر است؛ چراکه عرفاً نفع بر نبود ضرر صدق نمی‌کند، بلکه بر وصول به خیر اطلاق نفع می‌شود.

به هر روی، نفع در اصطلاح از معنای لغوی آن فاصله چندانی نگرفته است، هر چند مقرون به دقت‌های عقلی قابل توجهی است که در کتب لغت چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ لذا محقق حلی در تعریف نفع آورده است: «النفع هو ما يؤدي إلى سرور أو فائدة مقصودة؛ نفع عبارت است از چیزی که منجر به لذت و فائده مورد نظر می‌شود» (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۱۴۸). نراقی نیز آورده است: «أن جلب

النفع هو طلب ما ليس في يده؛ همانا جلب نفع عبارت است از خواستن چیزی که در دستش نیست (نراقی، ۱۴۲۵: ۵۱۸). مرحوم اراکی نیز آورده است: «النفع هو الزيادة في المال أو البدن أو في العرض؛ نفع عبارت است از زیادت در مال یا در بدن یا در آبرو» (اراکی، ۱۴۱۴: ۱۹۸).

به نظر می‌رسد از میان تعاریف مذکور تعریف محقق حلی جامع و مانع باشد؛ چراکه تعریف جناب نراقی منصرف به امور مالی است، در نتیجه جامع نیست و تعریف جناب اراکی نیز جامع نیست؛ چراکه نفع منحصر در مال و بدن و عرض نیست و مواردی همچون فزونی عقل و دین و سهولت و گشایش در امور نیز از مصادیق نفع هستند.

- مفهوم مصلحت در فقه

مصلحت بر وزن «مفعله» و مشتق از کلمه «صلاح» است. برخی از لغویون صلاح را به ضد فساد معنا کرده‌اند. برخی دیگر به معنای خیر و صواب گرفته‌اند (فیومی، بی تا: ج ۲: ۳۴۵). عده‌ای نیز در تعریف لغوی آن به آثار (خیر) مترتب بر فعل و اسباب مصلحت اشاره کرده‌اند. گروهی نیز آن را مترادف منفعت دانسته‌اند (بوطی، بی تا: ۲۷).

در اصطلاح نیز تعاریف متعددی از مصلحت ذکر شده است. محقق حلی در معارج الأصول آورده است: مصلحت عبارت است از آنچه که در مقاصد دنیوی یا اخروی و یا هر دو موافق وی است و حاصل آن عبارت است از تحصیل منفعت و دفع مضرت است (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۲۱). غزالی نیز در تعریف آن آورده است که: مصلحت عبارت است از محافظت بر مقصود شرع و مقصود شرع عبارت است از: دین، نفس، عقل، نسل و مال (غزالی، ۱۴۱۳: ج ۱: ۱۷۴). فخر رازی نیز در تعریف آن آورده است: مصلحت عبارت است از لذت و هر آنچه وسیله وصول به منفعت است (فخر رازی، ۱۴۱۸: ج ۶: ۱۷۹).

از این تعاریف به خوبی روشن می‌شود که مصلحت در اصطلاح از معنای لغوی فاصله نگرفته است و در دل این تعاریف نوعی خیر، سود، منفعت نهفته است. تنها تفاوتی که ملاحظه می‌شود، این است که در تعریف لغوی و محقق حلی و فخر رازی مقید به شرع نشده است، لکن غزالی آن را مقید به شرع کرده است، کما اینکه کثیری از علمای اهل سنت تقیید به مقصود شارع را در تعریفشان قید کرده‌اند.

- نسبت بین نفع و مصلحت

باتوجه به تعاریفی که از منفعت و مصلحت به میان آمده است، برخی در تفاوت بین این دو مفهوم گفته‌اند که منفعت از مقوله محسوسات و ملموسات است؛ مثل منافع اجیر یا اعیان؛ لکن مصلحت از مقوله معنا است (واعظی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). به عنوان مثال در ضمن قرض محل بحث است که آیا اشتراط رهن و کفاله بر مقرض جایز است یا نه؟ برخی از فقها گفته‌اند که جایز است؛ اگرچه متضمن مصلحت برای مقرض باشد؛ چراکه آنچه که در قرض ممنوع است، جعل شرطی است که نفعی برای مقرض داشته باشد، نه اینکه مصلحتی برای مقرض داشته باشد. در مسئله مورد نظر، شرط کفاله یا رهن نفعی

برای مقرض ندارد؛ بلکه صرفاً از باب اطمینان از بازپرداخت قرض شرط رهن و کفاله شده است. لذا اشتراط جهت تأمین مصلحت مقرض است نه تأمین نفع برای مقرض (لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۳۰). برخی دیگر گفته اند، مصلحت عبارت است از محافظت بر مقصود شرع؛ حال آنکه منفعت عبارت است از مقاصد خلق (غزالی، ۱۴۰۳، ۱۷۴). به عبارت دیگر مصلحت از سنخ منفعت نیست و احکام تابع منافع و ضررها نیست، بلکه تابع مصالح و مفاسد هستند؛ لذا با وجود ضررهای مترتب بر جهاد و زکات خداوند آن‌ها را واجب گردانده است (فیاض، ۱۴۱۰: ج ۴: ۴۰۹). به نظر می‌رسد، از لحاظ لغوی میان مصلحت و منفعت تفاوتی وجود ندارد و تعاریفی که از هر دو اصطلاح به کار رفت، موید این سخن است؛ لذا وجهی برای تفاوت اول نیست. اما از بعد اصطلاحی بنا بر تعریفی که در مصلحت قید «محافظت بر مقصود شارع» ذکر شود، تفاوت دوم موجه است. این تباین اصطلاحی دلیل بر این نیست که در مصادیق هم‌پوشانی ندارند، بلکه در حوزه مصادیق رابطه میان این دو مفهوم از قبیل عموم و خصوص من وجه است.

-وجه استناد به نفع

وجه استناد به مصلحت بدین تقریر است که به رسمیت شناختن ثبت اختراعات نظامی، به نفع جامعه است؛ زیرا باعث می‌شود که در سطح جامعه برخی از افراد جامعه در راستای توسعه و پیشرفت دست به ابتکارتهی بزنند؛ و بدین ترتیب اولاً چالش‌ها و مشکلات بشری کاسته می‌شود و ثانیاً باعث سهولت و راحتی زندگی مردم می‌شود.

یکی از نویسندگان در این رابطه می‌نویسد:

«فایده‌گرایان معتقدند که قانونگذاران در هنگام تبیین حقوق مالکانه باید بیش از هر چیز افزایش رفاه اجتماعی را مدنظر داشته باشند. در چارچوب مالکیت فکری این مقصود قانونگذاران را وا می‌دارد که میان برقراری حقوق انحصاری برای تشویق مخترعان، مولفان و هنرمندان از یک طرف و تبعات چنین حقوقی در کاهش استفاده‌ی گسترده‌ی عمومی از این آثار از طرف دیگر، تعادلی را برقرار نمایند.... برای مثال فایده‌گرایان در لزوم حمایت از علایم تجاری می‌گویند فایده اصلی آن این است که اولاً موجب کاهش هزینه‌ی بازاریابی می‌شود، ثانیاً موجب ایجاد انگیزه‌ی لازم برای تولید کالاها و ارائه‌ی خدماتی با کیفیت بالا از سوی تولیدکنندگان کالا و عرضه‌کنندگان خدمات می‌شود.» (فردوسی، ۱۳۹۰: ۴۲۷)

-تأملی در حجیت استناد به نفع

به نظر می‌رسد استناد به نفع با مشکلاتی جدی از حیث حجیت مواجه است؛ چراکه اولاً همان‌طوری که در مبحث پیشین گفته شد، مصلحت از سنخ منفعت نیست و احکام تابع منافع و ضررها نیست، بلکه تابع مصالح و مفاسد هستند؛ لذا با وجود ضررهای مترتب بر جهاد و زکات خداوند آن‌ها را واجب گردانده است (فیاض، ۱۴۱۰: ج ۴: ۴۰۹)؛ لذا برخی گفته‌اند: بحث از منفعت و ضرر از حوزه تکفل

فقه و اصول خارج است و صلاحیت به عنوان یک بحث اصولی و فقهی ندارد؛ زیرا آنچه در فقه و اصول و استنباط احکام شرعی محوریت دارد «مصلحت» است و نه «منفعت»، «مفسده» است و نه «ضرر»، و منفعت و ضرر تا به مصلحت و مفسده برنگردد، مناط حکم واقع نمی شود (علیدوست، درس خارج، جلسه ۱۱۴).

ثانیاً وقتی در آثار فقیهان و نصوص روایی مشاهده می شود، استناد به نفع وجود ندارد؛ بلکه آنچه که هست استناد به مصلحت است که نوعی ضرورت در دل آن نهفته است؛ حال آنکه در استناد به نفع مفهوم ضرورت نهفته نیست. به عنوان مثال، در برخی از روایات، رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) از خوردن گوشت برخی از حیوانات اهلی همچون الاغ های اهلی نهی کرده اند: محمد بن مسلم و زراره از ابی جعفر (علیه السلام) در مورد گوشت الاغ های اهلی سوال کردند، پس امام (ع) فرمود: رسول الله (ص) از خوردن آن در یوم خیبر نهی کرده اند و از آن صرفاً در این برهه زمانی نهی کرده اند؛ زیرا وسیله نقل و انتقال مردمان بود و حرام صرفاً، آن مواردی است که خداوند متعال در قرآن حرام کرده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۳: ج ۴: ۷۳)؛ یا همچنان که در روایت دیگر آمده است: «حلبی گوید: و باز از امام سؤال شد در مورد کسی که میوه جای معینی را که نامش را برده پیش خرید می کند و میوه آن سرزمین در آن سال می سوزد و بکلی نابود می شود، حکم آن چیست؟ فرمود: در چنین مسأله ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوایی طرح شد و کشمکش می کردند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دید منازعه را رها نمی کنند بکلی پیش خرید میوه را نهی فرمود تا میوه بر سر درخت پیدا شود ولی حرام نکرد. و بدین جهت این را نهی فرمود که خصومت را خاتمه دهد (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳: ۲۱۱). مطابق این روایت، رسول الله (ص) برای پرهیز از خصومت، از پیش فروش میوه نهی فرموده اند. از طریق اهل سنت نیز مواردی که در آن رسول الله (ص) شرایط ویژه را لحاظ می کرده اند، روایت وارد شده است: «رسول الله (ص) ما را از کاری که نافع بود، نهی کرده اند؛ زیرا زمانی که کسی زمینی در اختیار داشت و می خواست آن را در مقابل مبلغی به دیگری واگذار کند، رسول خدا منع نمود و فرمود: یا مجاناً واگذار کن و یا خود در آن به زراعت پرداز» (شهید صدر، ۱۴۱۷: ۸۰۶). در این روایت نیز روشن است که رسول الله (ص) با توجه به شرایط ویژه از اجاره زمین نهی کرده اند؛ زیرا به اجماع فریقین، اجاره زمین مانع شرعی ندارد و بر همگان مشروع است که آن را اجاره دهند.

۲-۱. نقد رویکرد موافقین

به نظر می رسد دیدگاه موافقین نیز به مانند دیدگاه مخالفین قابلیت تبعیت مطلق را ندارد؛ زیرا استدلال های موافقین مثبت، توانایی اثبات لزوم ثبت اختراع در اختراعات حساس را ندارد؛ زیرا بر مبنای قاعده حفظ نظام، اگر ثبت اختراع که با هدف نظم دهی به مدعیان اختراع نظامی صورت می گیرد، تبدیل به نقض غرض شود؛ دیگر قابلیت اعمال را ندارد؛ و این نقض غرض در اختراعات نظامی حساس قابل مشاهده است؛ بدین ترتیب که ثبت اختراع نظامی حساس ولو محرمانه امکان دسترسی به آن ها

را از سوی کشورهای دیگر فراهم می‌کند؛ امری که عملاً فراتر از یک نظام ساده‌است، و بلکه تهدیدی جدی برای نظم امنیتی کشور است که به مراتب از نظام‌های دیگر اهمیت بیشتری دارد. بر مبنای قاعده سلطنت نیز اشکال اخیر وارد است؛ زیرا قاعده سلطنت به اتفاق فقهیان مقید به شرایطی است، از جمله عدم اضرار به دیگری و در اختراعات نظامی حساس قاعداً دامنه تضرر بسیار گسترده‌است و امنیت عمومی جامعه متأثر می‌شود.

از سوی دیگر، قانون‌گذار می‌تواند خسارت‌های مخترع را تأمین کند؛ بدین صورت که حمایت‌های قانونی از مالکان اختراعات نظامی حساس در قالب پرداخت حق غرامت بهره‌برداری اجباری و یا خسارت تعلیق بهره‌برداری صورت بگیرد؛ و بدین ترتیب نگرانی‌های مالکین و نگرانی‌های امنیتی تأمین می‌شود.

۲-۳. تفصیل میان اختراعات نظامی

باتوجه به نقض و ابرام‌های که گذشت، به نظر می‌رسد می‌توان میان اختراعات نظامی حساس و غیرحساس تفصیل قائل شد؛ بدین صورت که در اختراعات نظامی که از حساسیت کافی برخوردار هستند، نیازی به ثبت اختراع نیست؛ بالعکس اختراعاتی که از چنین حساسیتی برخوردار نیست، نیاز به ثبت اختراع دارند؛ بنابراین نه قول نخست که به صورت مطلق قول به عدم ثبت را پذیرفته‌است، پذیرفتنی است و نه قول دوم که به صورت مطلق نیاز به ثبت را تقویت کرده‌است.

وجه تفصیل را می‌توان از نقش و ابرام‌های صورت گرفته دریافت؛ بدین صورت که در اختراعات نظامی حساس، باتوجه به حساسیت آن و ارتباط تنگاتنگ آن با امنیت ملی، روند ثبت ظاهری مشخصاً امکان دسترسی و نفوذ به این اختراعات را فراهم می‌کند و از سوی دیگر ثبت محرمانه نیز هرچند بسیاری از ضعف‌های ثبت ظاهری را پوشش می‌دهد ولی به نظر می‌رسد در عمل نتوانسته‌است، انتظارات را برآورده کند. نمونه این مسئله را در حقوق آمریکا مشاهده کرد که باوجود روند محرمانگی برخی از اختراعات نقض اختراعات متعددی از سوی برخی از کشورها از جمله چین گزارش شده‌است. در همین راستا تبصره یک و دو ماده نه آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی در جمهوری اسلامی ایران مقرر که می‌دارد: «تبصره ۱- در صورتی که اختراع یا اکتشاف متضمن تقویت بنیه دفاعی و امنیتی کشور بوده و با افشاء آن باعث ورود هر گونه خسارات به سیستم و با توان دفاعی کشور شود بایستی قبل از هر گونه اقدام برای ثبت، مراتب به کمیسیون ارجاع گردد. تبصره ۲- در صورت تشخیص کمیسیون، مبلغی بابت جبران خسارت (بازار عادی یا دو منظوره) به مخترع یا مکتشف اعطاء می‌شود.» قابل توجه است.

گرچه در این دو تبصره سخن از اختراعات حساس نیست، ولی باتوجه به مواد دیگر به نظر می‌رسد این معنا مقصود باشد؛ هرچند درجه‌بندی حساسیت روشن نیست؛ ماده ۲۸ آیین‌نامه مذکور می‌نویسد: «حقوق ناشی از اختراع و اکتشاف ثبت شده مالکیت داشته و قابل انتقال و توارث است.»

از جمع مابین دو تبصره و ماده ۲۸ می‌توان فهمید که قانون‌گذار حقوق معنوی مخترعین و به تبع مالکیت معنوی آن‌ها را پذیرفته است؛ مگر در صورتی که اختراع یا اکتشاف متضمن تقویت بنیه دفاعی و امنیتی کشور بوده و یا افشاء آن باعث ورود هر گونه خسارات به سیستم و با توان دفاعی کشور شود که در این صورت مبلغی بابت جبران خسارت به مخترع اعطا می‌شود.

نتایج

نتایج پژوهش نشان می‌دهد:

۱. صاحب‌نظران سه دیدگاه عمده در اختراعات نظامی مطرح کرده‌اند: برخی از صاحب‌نظران معتقد هستند که اختراعات نظامی نیاز به ثبت اختراعات نظامی ندارند؛ در مقابل عده‌ای دیگر بر این عقیده هستند که اختراعات نظامی از حیث ثبت با سایر اختراعات تفاوتی ندارد و هر دو نیازمند ثبت هستند؛ در مقابل برخی راه میانه در پیش گرفته‌اند و معتقد هستند باید میان اختراعات حساس و غیر حساس قابل به تفصیل شد؛ بدین صورت که در اختراعات حساس نیازی به ثبت نیست ولی در اختراعات غیرحساس نیاز به ثبت است.
۲. کسانی که معتقد هستند که اختراعات نظامی نیازی به ثبت ندارد، استدلال می‌کنند که هر گونه ثبت اختراعات منجر به تضعیف قدرت نظامی، امنیت ملی، اسرار نظامی و حفظ نظامی اسلامی خواهد بود. در نقد این دیدگاه می‌توان گفت که این استدلال‌ها وافی به مقصود نیست؛ زیرا اولاً بخشی از این نگرانی‌ها قابل رفع هستند؛ بدین صورت که می‌توان روند ثبت اختراع را محرمانه کرد و ثانیاً این استدلال‌ها، به عمومیت خود نمی‌تواند نافی نیاز به ثبت اختراع باشد؛ چراکه هر اختراع نظامی لزوماً از ویژگی‌های افزایش قدرت نظامی، امنیت ملی، اسرار نظامی و حفظ نظامی اسلامی برخوردار نیست؛ بلکه حداقل برخی از اختراعات نظامی از چنین حساسیت ویژه‌ای برخوردار نیست.
۳. کسانی که معتقد هستند که اختراعات نظامی نیاز به ثبت دارند، به قاعده سلطنت، قاعده حفظ نظام و نفع و مصلحت استناد می‌کنند بدین تقرر که وفق قاعده سلطنت اختراعات نظامی ماحصل تلاش فکری و اندیشه‌ای مخترع بوده است؛ لذا متعلق به اوست و به موجب قاعده سلطنت او می‌تواند بر این اختراع هر گونه تصرفی داشته باشد، از جمله اینکه او می‌تواند دیگران را نسبت به نقض حقوق اختراعی خود ممنوع سازد و لازمه این سلطنت این است که به ثبت برسد؛ زیرا در صورتی که به ثبت نرسد، عملاً قانون‌گذار نمی‌تواند حمایتی از حقوق وی داشته باشد؛ همچنان‌که به موجب قاعده حفظ نظام ثبت اختراعات جدا از اینکه زمینه پویایی و نوآوری را تضمین می‌کند، عملاً باعث خواهد شد که مخترعین و مکتشفین شناسایی شود و به تبع امکان فراهم شدن حمایت‌های قانونی از حقوق معنوی آن‌ها را فراهم می‌کند و در نتیجه ادعای بعدی افراد جاعل و متغلب را خنثی می‌کند و این گونه نظم حقوقی و قضایی افراد را تأمین می‌کند و در نهایت توجه استناد

به نفع و مصلحت بدین تقریر است که به رسمیت شناختن ثبت اختراعات نظامی، به نفع جامعه است؛ زیرا باعث می‌شود که در سطح جامعه برخی از افراد جامعه در راستای توسعه و پیشرفت دست به ابتکارتهی بزنند؛ و بدین ترتیب اولاً چالش‌ها و مشکلات بشری کاسته می‌شود و ثانیاً باعث سهولت و راحتی زندگی مردم می‌شود.

۴. به نظر می‌رسد استدلال‌های موافقین ثبت نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا این استدلال‌ها توانایی اثبات لزوم ثبت اختراع در اختراعات حساس را ندارد؛ زیرا بر مبنای قاعده حفظ نظام، اگر ثبت اختراع که با هدف نظم‌دهی به مدعیان اختراع نظامی صورت می‌گیرد، تبدیل به نقض غرض شود؛ دیگر قابلیت اعمال را ندارد؛ و این نقض غرض در اختراعات نظامی حساس قابل مشاهده است؛ بدین ترتیب که ثبت اختراع نظامی حساس ولو محرمانه امکان دسترسی به آن‌ها را از سوی کشورهای دیگر فراهم می‌کند؛ امری که عملاً فراتر از یک نظام ساده است، و بلکه تهدیدی جدی برای نظم امنیتی کشور است که به مراتب از نظام‌های دیگر اهمیت بیشتری دارد. بر مبنای قاعده سلطنت نیز اشکال اخیر وارد است؛ زیرا قاعده سلطنت به اتفاق فقہیان مقید به شرایطی است، از جمله عدم اضرار به دیگری و در اختراعات نظامی حساس قاعداً دامنه تضرر بسیار گسترده است و امنیت عمومی جامعه متأثر می‌شود. از سوی دیگر استناد به نفع نیز با مشکلاتی جدی از حیث حجیت مواجه است؛ چراکه اولاً مصلحت از سنخ منفعت نیست و احکام تابع منافع و ضررها نیست، بلکه تابع مصالح و مفاسد هستند؛ لذا با وجود ضررهای مترتب بر جهاد و زکات خداوند آن‌ها را واجب گردانده است؛ ثانیاً آنچه در آثار فقہیان و نصوص روایی مشاهده می‌شود، استناد به نفع نیست؛ بلکه آنچه که هست استناد به مصلحت است که نوعی ضرورت در دل آن نهفته است.

۵. به نظر می‌رسد بنابر نقد و اشکالاتی که بر هر دو دیدگاه گذشت، قول سوم منطقی است و می‌توان میان دو دیدگاه جمع کرد؛ بدین صورت که اختراعات نظامی از حیث اهمیت می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اختراعاتی که از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است که در این صورت نیاز به ثبت اختراع ندارد ولی اختراعاتی که از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار نیست، نیازمند ثبت اختراع است، هرچند همچنان روند ثبتشان محرمانه خواهد بود.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی تا). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۰۴ق). کتاب القضاء. قم: منشورات دار الهجرة.
- باقی زاده، محمدجواد؛ امیدی فر، عبدالله (۱۳۹۳). ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه. فصلنامه علمی شیعه شناسی. (۱۲) (۴۷)، ۱۷۰-۲۰۰.
- بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ه.ق). القواعد الفقهیه. چاپ اول. قم: نشر الهادی.
- پارسامهر، ابراهیم؛ صادقی، محمود (۱۳۹۸). نظام حقوقی حاکم بر ثبت اختراعات نظامی در ایران و آمریکا.
- جمالزاده، ناصر؛ باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶). کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره). مجله دانش سیاسی. ۱۳ (۱)، ۵-۳۹.
- حکیم، محمدتقی (۱۴۳۱ق). التتقیح. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الحكمة الثقافة الاسلامية.
- حکیم، سیدمحمدتقی (۱۴۲۸ق). الاصول العامة للفقہ المقارن. چاپ دوم. قم: المجمع العالمي لأهل البيت.
- حلی، ابن ادريس (۱۴۱۰). السرائر. قم: مؤسسة النشر الإسلامي
- حلی، حسن بن یوسف (بی تا). مبادئ الوصول الى علم الاصول. دار الأضواء.
- خمینی، سیدمصطفی (بی تا). الخيارات. چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار.
- رضی، شریف (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. مصحح: للصبحي صالح. چاپ اول. قم: هجرت.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۶). حقوق اسرار تجاری. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- زیبیدی، سیدمرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس. چاپ اول. بیروت: دار الفكر.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۳۸۶ش). ولایة الفقیه و ما يتعلق بها (دلیل تحریر الوسيلة للإمام الخميني قدس سره). چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- سیوری، مقداد (بی تا). كنز القرآن. تهران: منشورات المكتبة المرتضوية للإحياء الآثار الجعفرية
- عاملی، حر (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاهیاء التراث.
- عمازاده، محمدکاظم (۱۳۸۸ش). حقوق بازرگانی (جلد ۱). چاپ سوم. تهران: آموخته.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ هفتم. تهران: دار الکتب الإسلامية.

- مکارم، شیرازی (۱۴۱۰ق). القواعد الفقهیه. چاپ سوم. قم: انتشارات مدرسه امیرالمومنین.
- منصوریان، ناصرعلی؛ شیبانی، عادل (۱۳۹۵). مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون گذاری ایران. دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ش ۷۵ و ۷۶، موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۲). استفتانات. چاپ پنجم. قم: موسسه نشر اسلامی.
- موسوی قزوینی، سید علی (بی‌تا). ینایع الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- میرحسینی، سیدحسن (۱۳۸۵ش). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- میرشمسی، محمدهادی؛ ناظری، امیر (۱۳۹۷ش). حقوق مادی مخترعین صنایع دفاعی (مطالعه تطبیقی در چین، روسیه، آمریکا و ایران). مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۹۷، ش ۱۰۵، نجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- واقدی، محمد بن عمر (بی‌تا). المغازی. بی‌جا. قابل دسترسی از: <https://lib.eshia.ir/86590/0/3>